

در بعضی نواحی از گیاه تازه به حالت خام، مخلوط با سبزیجات دیگر در تهیه سالاد استفاده می‌شود. محل رویش - فارس: نزدیک کازرون. آذربایجان: خوی، تبریز، زنجان. همدان: شورین، آق‌بلاغ. کرمان: تهران: شمیران، کرج. ارتفاعات البرز مانند کوه دشته، پهن قلعه در



ش ۶۵ - *Sanguisorba minor*: گیاه کامل گلدار
(اندازه تقریباً طبیعی)

ارتفاعات ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متری، کندوان در ۲۰۰۰ متری. گیلان: عمارلو، کبوترچاک در ارتفاعات ۱۸۵۰ متری، راه بیورزن به چرم کش (رویا زرگری)، اسازاده ابراهیم (ماکلوان در ارتفاعات ۴۰۰ متری)، ایسپیلی.

Sanguisorba officinalis L.

فرانسه: *Sanguisorbe officinale*, *Pimpinelle officinale*, *Grande pimpinelle*
انگلیسی: *Burnet*, *Great burnet* آلمانی: *wiesenknopf* ایتالیایی: *Sanguisorba*

گیاهی علفی، به ارتفاع ۰.۷ تا ۱.۱ متر و دارای ریزوم و سوش قوی به رنگ قهوه‌ای است. از قاعده ساقه آن برگهای بزرگی به طول ۰.۳ تا ۰.۴ سانتیمتر، مرکب از برگچه‌هایی به رنگ سبز تیره و دندانه‌دار خارج می‌شود. محل رویش آن نیز در تورب‌زارها، چمنزارهای طبیعی مرطوب و جنگلهای واقع در نواحی سردابی است. در فاصله خرداد تا شهریور گل می‌دهد. گل‌های آن به صورت مجموعه مدوری، به رنگ ارغوانی تیره در قسمت انتهایی شاخه‌ها ظاهر می‌گردد و چون ارتفاع گیاه نسبتاً زیاد است از دور، رنگ زیبای گل آذین آن بی‌چشم می‌خورد. با آنکه در غالب نواحی نیمکره شمالی پراکنده است معهداً بعلت زیبایی خاصی که دارد در بعضی نواحی پرورش نیز می‌یابد.

ترکیبات شیمیایی - همه قسمت‌های گیاه مخصوصاً ریشه آن دارای تانن است. بعلاوه نوعی ساپونین و کمی اسانس نیز دارا می‌باشد.

خواص درمانی - مدر، مقوی معده، اشتها آور و قابض است. از آن در تمام مواردی که بکار بردن یک ماده قابض یا تانن، ضرورت پیدا نماید می‌توان استفاده کرد. مصرف آن در موارد اسهال، ورم روده‌ها، اخلاط خونی، وجود خون در ادرار، خونروی در فواصل قاعدگی، بواسیر، نزله‌ها، خونرویهای مختلف و حتی سل توصیه شده است.

صور دارویی - دم کرده یا جوشانده ریشه و یا تمام قسمت‌های گیاه به مقدار ۰.۲ تا ۰.۵ گرم در نیم لیتر آب که همه آن در چند دفعه طی ۱۲ ساعت مصرف گردد - شیره گیاه تازه به مقدار ۱۰ تا ۱۵ گرم در یک پوسپون - دم کرده ۰ گرم گیاه برای یک فنجان (به صورت چای) به عنوان مقوی معده و هضم کننده غذا (به این دم کرده می‌توان رازیانه، آنزلیک، زیره، نعناع، بادرنجبویه و غیره افزود).

در استعمال خارج، جوشانده ۰.۵ در هزار گیاه به صورت لوسپون، تنقیه، حمام و غیره بکار می‌رود. برگ له شده گیاه نیز بر روی سوختگی‌ها، ضرب‌خوردگی و کوبیدگی و یا بر روی زخمها جهت بهبود آنها گذاشته می‌شود.

محل رویش - نواحی شمال ایران، گیلان: رودبار، عمارلو؛ چمنزارهای طبیعی راه بین کبوترچاک و زردچین در ارتفاعات ۲۰۰۰ متری. اسبازاده ابراهیم، دامنه‌های کم ارتفاع و آفتابگیر کته‌چال (مولف). آذربایجان: تبریز.

Alchemilla vulgaris L.

فرانسه : Mantelet des dames ، Pied lion ، A. commune ، Alchémille

انگلیسی : Löwenfuss ، Mantelsinau ، Lady's mantle ، Lion's foot آلمانی:

ایتالیائی : Mantelletto della dame ، Piè di liono ، Alchemilla comune

عربی : رجل الاسد

گیاهی علفی، پایا، به ارتفاع ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتر و دارای ریزوم و ریشه قوی، به رنگ قهوه‌ای است. برگهائی مدور، به رنگ سبز روشن، منقسم به ۷ تا ۱۱ لوب دنداندار و منتهی به دمبرگ دراز دارد. گل‌های آن دارای کاسه کوچکی مرکب از ۸ تقسیم در ۲ ردیف و پرچم‌هایی بتعداد ۴ و بسیار کوچک است.



ش ۶۶ - *Alchemilla vulgaris* - ۱- گیاه برگدار (۲/۳ اندازه طبیعی)

۲- گل کامل ۳- برش قائم گل

محل رویش آن معمولا در دشتهای مرطوب، کوهستانها، جنگلهای مرطوب ونواحی نظیر آنهاست. پراکندگی این گیاه در کره زمین به صورتی است که در اکثر نقاط اروپا و آسیا یافت می‌شود.

تمام قسمت‌های این گیاه مخصوصاً ریشه آن به‌صرف درمانی می‌رسد. ترکیبات شیمیائی - قسمت‌های مختلف این گیاه دارای تانن به‌مقدار ۴٫۸ درصد است (Muhlemann). از هیدرولیز آن نیز، اسید الاژیک ac. ellagique و اسید لوتیک ac. lutéique حاصل می‌شود. ضمناً یک ماده تلخ، رزین، فیتوسترول، اسید پالمیتیک ونوعی ساپونین از آن بدست آمده است.

باکمک الکل متیلیک، نوعی ماده قابل تبلور نیز از آن بدست آمده که هنوز مشخصات دقیق شیمیائی آن معین نگردیده است.

خواص درمانی - کلیه قسمت‌های گیاه مخصوصاً ریشه آن به‌علت دارا بودن تانن، اثر قابض دارد. به‌علت قابض بودن دارای خاصیت، مقوی ومقوی معده، مدر و بندآورنده خون است. در درمان کم‌خونی، تصلب‌شرائین، زیادی خون قاعدگی وتسهیل زایمان، اثرات مفید ودرمانی ظاهر می‌کند.

بررسی‌های مختلف نشان داد که این گیاه دارای خاصیت تصفیه کننده خون و رفع ترشحات مهبلی است (B. Aschner در ۱۹۳۹) بعلاوه می‌توان از آن در آب آوردن انساج (W. Bohn در ۱۹۳۴)، مرض قند (H. Schulz) و چاقی مفرط استفاده بعمل آورد.

در استعمال خارج دارای اثر التیام دهنده زخمها و رفع التهابهای سطحی است. لوسیون آن در خارش‌های مهبلی اثر مسکن دارد.

صور داروئی - دم کرده ۳۰ تا ۶۰ در هزار آن در آب به‌مقدار ۳ فنجان در روز قبل از غذا و یا دم کرده آن مخلوط با گیاهان زیر بکار می‌رود:

گیاه مذکور	۴۰ گرم
بادرنجبویه	۲۰ »
بوساداران	۲۰ »
علف چای	۲۰ »

مقادیر فوق برای هرفنجان است و ۲ برابر آن یعنی ۲ فنجان از این دم کرده را در روز می‌توان مصرف کرد. عصاره روان به‌مقدار ۳ گرم در روز در کمی آب جهت رفع ترشحات مهبلی و در مان زیادی خون قاعدگی و تنطور آن به‌مقدار ۱۰ قطره و ۳ دفعه در روز، بمدت یک‌ماه (ماه آخر حاملگی) بمنظور تسهیل زایمان، مصرف دارد.

در استعمال خارج، جوشانده ۱۰۰ گرم گیاه در یک لیتر آب بکار می‌رود.

کرم برای تسکین خارش های مهلبی (Dr. H. Leclec)

عصاره روان گیاه مذکور (A. vulgairs)	۲ گرم
آب مقطر گل سرخ (گلاب)	۱۸ "
لانولین	۱۰ "
وازلین	۱۰ "

به صورت مالیدن، جهت تسکین و رفع خارش.

محل رویش - نواحی شمالی ایران، اطراف تهران، نواحی مختلف البرز، دامنه های شمالی تجریش منتهی به رودخانه پس قلعه (فلور ایران).

در بعضی کتب علمی، وجود این گیاه در ایران تایید نشده است (Fl. Iranica).

Alchemilla alpina L. *، **A. argentea Lam.** - گیاهی علفی، دارای برگهای پوشیده از تارهای تیره ای در قسمت تحتانی پهنک و منقسم به ۵-۷ لوب دندانه دار است. در نواحی مختلف اروپا، در دشت ها و محل عاری از درخت جنگلها می روید. اثرات درمانی آن شباهت گیاه قبلی است. مصرف آن جهت درمان چاقی و رفع گازهای دستگاه هضم توصیه شده است (Schulz در سال ۱۹۲۹).

نام عربی آن **حشیشة الفضة** است

در ایران نمی روید.

Aphanes arvensis L.

Alchemilla arvensis (L.) Scop. ، **A. delicatula Sen**

فرانسه : **Perce pierre des champs** ، **A. des champs** ، **Alchémille naine**

انگلیسی : **Parsley piert** ، **Colicwort** ، **Break - stone** ، آلمانی : **Steinbrech**

ایتالیایی : **Alchemilla Ptericcola** ، **Erba ventagliana piccola** ، **Spacca pietra**

گیاهی کوچک، یکساله و به ارتفاع چند سانتیمتر است. بیشتر در چمنزارهای رستی و سیلیسی می روید. برگهای کوچک آن مرکب از ۳ لوب منقسم به تقسیمات عمیق است. گلهای کوچک و مجتمع آن شباهت به گیاه قبلی دارد.

ترکیبات شیمیائی - تانن به مقدار نسبتاً زیاد.

خواص درمانی - اثر درمانی این گیاه شبیه گیاه قبلی است.

سرشاخه گلدار آن، تانن فراوان و اثر قابض و التیام دهنده دارد (Vierey در ۱۸۴۰).

مصرف آن در خونروی های فواصل قاعدگی معمول است. استفاده از این گیاه به علت آنکه خاصیت مدر دارد، در بیماریهای مختلف دستگاه ترشح ادرار توصیه گردیده است (Eeg. Fischer در ۱۹۴۱).

محل رویش - نواحی شمالی ایران، گرگان: هزارجریب، بندرگز، گیلان: شمال لوشان، لاهیجان.

Agrimonia Eupatoria L.

A. asiatica Juz. ، **A. Eupatoria subsp. asiatica (Juz.) Schö - Tem.**

فرانسه : **Herbe d'Eupatoire** ، **Eupatoire des Anciens** ، **Aigremoine commune**

ایتالیایی : **Erba vettonica** ، **Santonica** ، **Eupatoria** ، **Erba da andata** ، **Agrimonia**

انگلیسی : **Common agrimony** آلمانی : **Odermennig** عربی : **غاث (Ghâfath)**

گیاهی است پایا، به ارتفاع ۳۰ تا ۶۰ سانتیمتر و دارای ساقه راست و پوشیده از کرک که در جنگلها، نواحی سایه دار، چمنزارها و غیره می روید و در تمام نیمکره شمالی نیز تقریباً پراکنده است.

برگهای آن شامل ۷ تا ۹ برگچه بزرگ و دندانه دار است و در فواصل آنها برگچه های کوچک و نامنظم دیده می شود. گلهایی به رنگ زرد مایل به نارنجی و مجتمع به صورت سنبله - دراز در قسمت انتهائی ساقه دارد. از مشخصات آن اینست که سبزه آن به علت دارا بودن قلاب های کوچک و فراوان سهولت به پوست و پشم حیوانات می چسبد. ضمناً پایه هایی از آن که در نواحی خشک و آفتابگیر و یا اماکن مرطوب و سایه دار می رویند، اختصاصات متفاوتی با یکدیگر دارند مانند آنکه نژادی از آن که در محل سایه دار می روید، ارتفاع زیادتر و برگهای درشت تر داشته بر روی سطح برگ های آن، غده های معطر متعدد ظاهر می شود.

فاقد نوش است از این جهت، زنبور عسل بندرت به سمت آن جلب می گردد. تمام قسمتهای گیاه مخصوصاً برگهای خشک شده آن به مصارف درمانی می رسد.

ترکیبات شیمیائی - ترکیب شیمیائی اعضای مختلف این گیاه هنوز به نحو کامل مشخص نگردیده است.

بررسیهای **J. Rousselin**، وجود صمغ، نوعی تانن (مخصوصاً در برگ و سرشاخه های گلدار گیاه) و یک فیتوسترین را در آن محقق داشته است. **L. Kroeber**، وجود یک گلوکزید به نام **اوپاتورین eupatorine** را در آن ذکر نموده است ولی وجود آن مشکوک بنظر می رسد. **اوپاتورین Eupatorine**، به فرمول $C_{18}H_{16}O_7$ و به وزن مولکولی ۳۴۴ است. در گیاهان متعددی، متعلق به تیره های متفاوت مانند انواع زیر وجود دارد:

Rosaceac	از تیره	Agrimonia Eupatoria L.	-۱
Compositae	---	Eupatorium semiserratum DC. (1)	-۲
---	---	cannabinum L.	-۳
---	---	perfoliatum L.	-۴

اوپاتورین، گلوکزیدی است که در مخلوط آب و Dioxin ، به حالت متبلور به دست می آید. درگرمای ۱۹۶-۱۹۸ درجه ذوب می گردد.



ش ۶۷ - Agrimonia Eupatoria : ۱- شاخه گلدار (اندازه طبیعی)

۲- گل (در زیر ذره بین)

1 - Kouchan et al. , J. Pharm. Sci. 54, 929 (1965).

از نظر درمانی دارای اثر قوی آور است.

در اعضای مختلف این گیاه مقدار بسیار جزئی اسانس و یک ماده تلخ نیز دیده شده است.

خواص درمانی- قابض و قاعده آور ملایم، ضد کرم و التیام دهنده است. مصرف آن به منظور درمان بیماریهای کبدی در نواحی مختلف معمول است. برای مصارف درمانی، معمولاً نژادهائی از آن که در اماکن سایه دار می رویند و غده های معطر بر سطح برگ دارند، بر دیگران ترجیح داده می شوند.

تجارب پزشکان مختلف نشان داده است که علاوه بر دارا بودن اثر قابض، در رفع خونریزها، اختلال خونی، وجود خون در ادرار و بی اختیاری دفع ادرار در اطفال اثر مفید دارد (K. Kahnt در ۱۹۰۶).

با بررسیهایی که به عمل آمده مشخص شده است که این گیاه علاوه بر اختصاصات فوق، در رفع ترشحات مهبلی، شکم روش، ضعف اعمال معده، نفخ و غیره اثر معالج دارد (W. Ripperger در ۱۹۳۷ و H. Schulz در ۱۹۲۹ و ...). مصرف آن به علت سدر بودن، برای درمان رماتیسم، درماتیت ها، سنگ کلیه و غیره توصیه شده است. برای آن اثر رفع چاقی قائل اند و مصرف آنرا در درمان بیماری قند مفید ذکر نموده اند.

بررسی های مختلف نقل از مقالات علمی جدید (1)، نشان داده است که اعضای این گیاه اثر بازکننده شریانهای قلب (Coronaro - dilat.) دارد و ضمناً محقق مشخص شده است که اگر به مقدار زیاد مصرف گردد، نتیجه عکس ظاهری کند. با این عمل، گیاه مذکور در ردیف داروهای مفید در درمان آنژین صدری (Angine de poitrine) قرار گرفته است مشروط بر آنکه به مقدار کم به کار رود.

بررسی های مختلف نشان داده است که در بیماریهای کبدی مزمن، نارسائی دفع صفراء، زردی و قولنج های کبدی اثرات شفا بخش ظاهر می کند.

در استعمال خارج، جوشانده آن به صورت غرغره در رفع آنژین، ورم لوزتین، ورم مخاط - حلق، معالجه گرفتگی صدا، درد گلو و لوسیون آن به صورت شستشو در بهبود اولسرها، زخم ها و جراحات و رفع ترشحات مهبلی (به صورت تزریقات مهبلی) به کار می رود.

صور دارویی- دم کرده ۱۰ تا ۳ در هزار برگ و سرشاخه گلدار خشک در ۳ تا ۴ دفعه در روز بین هر دو غذا و یا بلافاصله بعد از هر غذا - در استعمال خارج، جوشانده ۳ مشت گیاه خشک در یک لیتر آب (مدت جوشاندن ۳ دقیقه) به صورت تزریق مهبلی.

1 - Lievre H. Revue de jeune Medecine No. 1, 102, 25 Nov. (1982).

نسخه برای دفع سنگهای صفراوی (A. Peik) در ۱۹۲۳

ریزوم رویارب	۲۰ گرم
ریشه Ononis spinosa (۱)	» ۲۰
Marrubium vulgare (۲)	» ۵۰
Agrimonia Eupatoria	» ۵۰

از مخلوط گیاهان مذکور به مقدار یک قاشق قهوه خوری برای هر فنجان آب جوش، دم کرده ای (به مدت ۱۵ دقیقه) تهیه می شود که یک فنجان صبح ناشتا و عصر قبل از غذا بکار می رود.

جوشانده ۱۰۰ گرم گیاه خشک در یک لیتر آب را به نحوی که بر اثر جوشاندن، حجم محلول به ثلث مقدار اول کاهش حاصل کند، می توان، به صورت غرغره در بیماریهایی که ذکر شد بکار برد. به جوشانده گیاه مذکور می توان، زیرفون و Sage (۳) به مقدار مساوی ۵۰ گرم از هر یک، افزود و کمی قند یا عسل بدان اضافه کرد.

برای درمان لارنژیت (Laryngite) آماس و ورم حنجره از فرمول زیر می توان استفاده به عمل آورد:

سرشاخه گلدار Agrimonia Eupatoria	۳۰ گرم
سرشاخه گلدار Sisymbrium officinale	» ۳۰
گل Verbascum Thapsus	» ۱۰
گل شقایق	» ۱۰
گل پنیروک	» ۱۰
گل و برگ Tussilago Farfara (پای خر)	» ۱۰

مخلوط اعضای گیاهان فوق را بمقدار ۳ گرم در یک لیتر آب جوش وارد کرده به مدت ۵ دقیقه دم می کنند پس از صاف کردن تمام آنرا بدفعات مختلف و بمقدار یک فنجان در هر دفعه در طول شبانه روز مصرف می نمایند.

محل رویش - نواحی شمالی ایران، اطراف تهران، جنوب، غرب (کرمانشاه، نقرش، اشتران کوه)، دیژل Digele در ارومیه، کرج، خراسان، دره اترک، بین شیروان و بجنورد

۱- گیاهی است از تیره Leguminosae (رجوع شود به فهرست همین کتاب).

۲- گیاهی از تیره Labiatae است.

۳- گیاهی است بنام Salvia officinalis از تیره Labiatae.

(Fl. de l' Iran, 2, p. 604-1948). در فلور ایرانیکا، پراکندگی آن در منطقه وسیعی از ایران و به صورت ۳ گونه فرعی به شرح زیر ذکر گردیده است:

۱- Agrimonia Eupatoria Subsp.: Eupatoria درمازندران: کجور، گیلان:

رشت، کردستان: کوه شاهو، همدان، بروجرد، کرمانشاه: کنگاور، اراک: کوه رزوند، لرستان: اشتران کوه، درود، خراسان، قزوین، اطراف جویستان می روید.

۲- Subsp. grandis Bornm. - A. در آذربایجان، ارومیه،

کردستان: کوه آوی هنگ (Avihang)، اصفهان، بین تهران و کرج می روید.

۳- Subsp. asiatica (Juz.) Schönbeck - Temesy A. در درگهان:

رامیان، مازندران: کجور، دشت نظیر در ۸۰۰-۱۳۰۰، دره هراز، آذربایجان: شمال-

غربی اردبیل در ۱۶۰۰ متری، همدان، بروجرد، لرستان: درود در ۱۶۵۰ متری، فارس: اطراف

شیراز، کرمان: رابور در ۲۶۰۰ متری، خراسان: بجنورد، دره اترک، بین شیروان و بجنورد، شمال-

کوه بینالود در ارتفاعات ۱۹۰۰-۲۳۰۰ متری، تهران: سیمین دشت در حاشیه جبله رود در

۱۱۵۰ متری، قزوین، اطراف کرج.

* Prunus serotina Ehrh.

P. virginiana Duroi

درختی به ارتفاع ۱۵ تا ۳۰ متر و دارای برگهایی بیضی شکل، نوك تیز و گلتهایی به رنگ سفید و مجتمع به صورت خوشه است. میوه اش شفت، کروی، به رنگ ارغوانی یا ارغوانی تیره و دارای طعمی ملایم می باشد. منشأ و محل رویش آن نیز در امریکای شمالی است.

پوست ساقه این درخت مصارف درمانی دارد و به صورت قطعاتی به ابعاد متغیر در بازوگانگی عرضه می شود. ضخامت آنها در حدود ۱ تا ۲ میلی متر و سطح خارجی آنها به رنگ قهوه ای مایل به قرمز است ضمناً بر روی آنها تعداد بیشماری عدسکهای دراز و به رنگ مایل به سفید دیده می شود. سطح داخلی قطعات پوست مذکور، قهوه ای کم رنگ و دارای خطوط ظریف فراوان است. بوی آنها ملایم و شبیه بوی اسانس بادام تلخ می باشد ولی پس از جویدن، بوی آنها قوی تر می گردد. طعم آنها قابض و معطر است.

ترکیبات شیمیائی - این درخت دارای گلوکزیدی به نام پرونازین prunasine یا پرونازوسید prunasoside است. این ماده بر اثر هیدرولیز، گلوکز، اسید سیانیدریک و الدئید- بنزوئیک بوجود می آورد.

پرونازین Prunasine ، فرم راست گرد ماده‌ای به نام Mandelonitrile Glucoside است و به صورت بلورهای سوزنی شکل در کلروفرم به دست می‌آید. نقطه ذوب آن، گرمای ۱۴۷ تا ۱۴۸ درجه است. در آب، الکل و استن حل می‌شود. کلیات آنرا به پرولورازین Prulaurasine تبدیل می‌کنند.

حداکثر مقدار اسید سیانیدریک در پوست این گیاه معادل ۱۲ ر. تا ۱۶ ر. گرم در صد در پوست تازه است ولی از نمونه‌های خشک تجارتي، معادل ۷۰ ر. درصد اسید سیانیدریک بدست می‌آید.

پوست این درخت علاوه بر مواد فوق دارای تانن، دئوئوکوزین، اسید پاراکوماریک ac. paracoumarique و به مقدار بسیار جزئی از اسید بنزوئیک و اسانس است.

خواص درمانی - پوست این درخت اثر مقوی و آرام کننده دارد ولی مصرف زیاد آن باعث پیدایش ناراحتیهای نظیر کند شدن حرکات قلب می‌شود.

صور دارویی - پوست این درخت به صورت گرد و به مقدار ۲ تا ۴ گرم در شبانه روز برای اشخاص بالغ - عصاره نرم (هیدروالکلی) - عصاره روان - تنطورالکلی (بالکل ۶) - مصرف می‌شود. این گیاه در ایران نیست.

(1) Prunus Laurocerasus L.

Laurocerasus officinale Roem. ، Cerasus Laurocerasus Mill.

فرانسه : Laurier aux crèmes ، L. de Trébizonde ، L. amandier ، Laurier-cerise

انگلیسی : Laurel ، Chery - laurel آلمانی : Kirschchlorbeer ایتالیایی : Lauro ceraso

فارسی : جل (در مازندران)، چرم لیوه (در گیلان) - عربی: کرزل الفار ، غارالکرزی

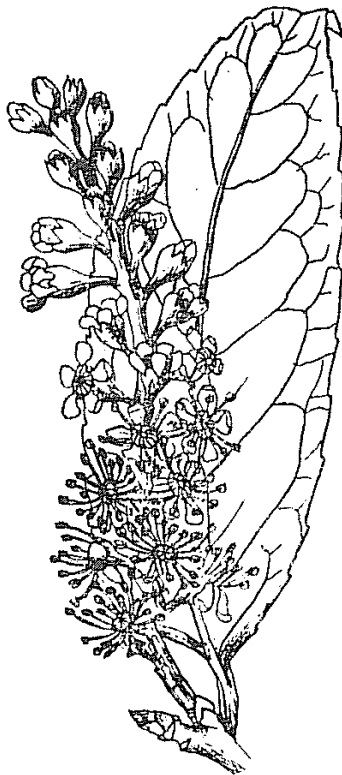
درختچه‌ای است به طول ۲ تا ۶ متر که منشأ اولیه آن در نواحی غربی آسیا ، قفقاز و ایران بوده است ولی امروزه در اروپا و نواحی مختلف آمریکا می‌روید ویا آنکه در این نواحی پرورش می‌یابد.

از مشخصات آن این است که برگهایی با دمبرگ کوتاه، متناب و ساده، بی کرک، شفاف و دندانه دار (دندانه‌ها فاصله دار) دارد. طول برگهای آن ، ۱۰ تا ۲۰ سانتیمتر و پهنای آنها ۴ تا ۸ سانتیمتر است (طول و عرض برگ آن به تناسب واریته‌های مختلف و مشخصات محل

۱- چون این گیاه مهم ، در کتب دارویی در جنس Prunus شرح داده شده ، همان ترتیب قبلی در شرح آن رعایت گردیده است.

رویش تفاوت می‌نماید). در کدکس، درازای برگ آن ۱۲ تا ۱۵ و پهنای آن ۶ تا ۷ سانتیمتر ذکر گردیده است.

پهنک برگ آن در سطح فوقانی، شفاف و به رنگ سبز تیره است ولی در سطح تحتانی، به رنگ سبز مایل به زرد می‌باشد. رگبرگ میانی، در سطح تحتانی برگ، حالت برجسته و مشخص دارد بعلاوه در سطح تحتانی برگ و در قاعده رگبرگها ثانوی، ۱ تا ۴ فشردگی غده مانند مشاهده



ش ۶۸ - Laurocerasus officinalis : شاخه گلدار (اندازه طبیعی)

می‌گردد که در فصل بهار، نوعی ماده قندی از آنها ترشح می‌شود. رنگ آنها در برگهای تازه، تقریباً زرد است ولی اگر برگ از گیاه جدا گردد، بسرعت قهوه‌ای می‌شود.

برگ این درخت و فرآورده‌های آن در داروخانه بنام لوریه سریز (Laurier cerise)

موسوم است.

برگ لوریه سریز در حالت تازه، بدون بو می باشد ولی اگر دست بر روی آن کشیده شود و یا جویده گردد، بوی مخصوص الدیئید بنزوئیک از آن استشمام می شود.

طعم برگ بطور محسوس تلخ است و آن نیز مربوط به اسید سیانیدریک و گلوکزیدهای آن می باشد.

گل‌های این گیاه، کوچک، به رنگ سفید مایل به سبز و مجتمع به صورت خوشه‌هایی در محور ساقه است. در هر گل آن، ۲۰ پرچم در دو ردیف حلقوی دیده می شود. میوه آن شفت، به رنگ سیاه و دارای یک دانه (بندرت ۲ دانه) بدون آلبومن است. وارپته‌های متعددی بر اثر پرورش‌های مداوم از این گیاه بدست آمده که هر یک دارای میزان معینی از مواد مؤثره می باشند. قسمت مورد استفاده این گیاه برگ‌های آن است.

ترکیبات شیمیائی - برگ لوریه سریز دارای فرمانی به نام اسولسین (سیناپتاز) و گلوکزیدی است که نخستین بار در سال ۱۸۷۴ توسط Lehman به حالت آرف به دست آمده به نام **لوروسازین** lauro-cerasine نامیده شد. بعداً دانشمند دیگری به نام Herisey در سال ۱۹۰۶ آنرا به صورت متبلور بدست آورده به نام **پرولورازین** Prulaurasine (نام فعلی آن **پرولورازوزید** prulaurasoside) نامید.

پرولورازین، فرم راسیمیک Mandelonitrile Glucoside است. طعم تلخ دارد و به صورت بلورهای سوزنی شکل در مخلوط استات اتیل و اتر به دست می آید. نقطه ذوب آن، گرمای ۱۲۳-۱۲۵ درجه است. در آب و الکل حل می شود ولی در اتر محلول نیست. از هیدرولیز آن، نوع راسیمیک اسید مانده لیک (Mandelic acid) به دست می آید.

چنانچه قبلاً ذکر شد، **سامبو نیگرین**، Sambunigrine، نوع چپ گرد (لوژیتر) مانده لوب-نیتریل گلوکزید است.

مانده لونیتریل-گلوکزید، از فرم دکستروژیتر آن که در *Prunus serotina Ehrh.* و *P. macrophylla S. Zucc.* وجود دارد و پرونازین نامیده می شود به دست می آید (۱). از گیاهان دیگر مانند *Eucalyptus corynocalyx F.M.* از تیره مورد و *Pteridium aquilinum (L) Kühn* (از تیره *polypodiacea*) و از فرم راسیمیک آن به نام پرولورازین *Prulaurasine* که در لوریه سریز و غیره وجود دارد استخراج و به دست آمده است.

مانده لونیتریل Mandelonitrile، به فرمول C_8H_7NO و به وزن ملکولی ۱۳۳٫۱۴ است و از فرم دکستروژیتر آن که در جوانه مولدگل هلو وجود دارد توسط *Enzie* و *Jones*

(۱۹۶۱) استخراج شده است. از آن، جهت تهیه آب بادام تلخ استفاده می شود. از هیدرولیز آن، اسید مانده لیک (Mandelic acid) به دست می آید.

اسید مانده لیک (اسید آمیگدالیک، ...)، به فرمول $C_8H_7O_2$ و به وزن ملکولی ۱۵۲٫۱۴ است. به صورت ورقه‌های کوچک ارتورومبیک در آب (حلال) به دست می آید. در گرمای ۱۱۹ درجه ذوب می شود. از نظر درمانی ضد عفونی کننده مجاری ادرار است.

اسولسین موجود در برگ، گلوکزید مذکور و ایزوسرهای آنرا در مجاورت آب، هیدرولیز نموده، گلوکز، اسید سیانیدریک و الدیئید بنزوئیک می دهد.

علاوه بر مواد مذکور، تانن، قند، مواد چرب و مقدار کمی اکسالات کلسیم نیز در برگ لوریه سریز یافت می شود.

بررسیهای Guignard در سال ۱۸۹۰ نشان داد که اسولسین و گلوکزید مولد اسید-سیانیدریک، هر یک در محل معینی از برگ متمرکز می باشند مانند آنکه اسولسین در غلاف آندودرمی اطراف دسته‌های آوندی و برخی از سلولهای دایره محیطیه (*Péicycle*) ولی گلوکزید مذکور در سلولهای پارانشیم برگ متمرکز است.

آب مقطر لوریه سریز - این آب مقطر از تقطیر هر یک کیلوگرم برگ تازه با چهار لیتر آب بدست می آید. بدین نحو که پس از خرد کردن برگها، آنها را با آب در دستگاه تقطیر وارد کرده و ۱۰۰۰ گرم آب مقطر تقطیر می نمایند. آب مقطر لوریه سریز سهولت فاسد می گردد از این لحاظ باید آنرا در ظرف شیشه‌ای کوچک به نحوی که تمام شیشه از مایع پر شود، نگهداری نموده در محل تاریک و خنک قرار داد.

آب مقطر لوریه سریز مورد استفاده در داروسازی، باید دارای ۱۰۰ گرم درصد، اسید-سیانیدریک باشد.

خواص درمانی - آب مقطر لوریه سریز دارای خاصیت ضد تشنج و تسکین دهنده سرفه است. در موارد تنگی نفس، سیاسرفه، اسپاسم‌های دردناک معده و روده، استفراغ و بیخوابی مصرف می گردد.

آب مقطر لوریه سریز در استعمال خارج نیز مصرف دارد و از آن بعنوان تسکین دهنده خارش استفاده بعمل می آید.

در استعمال خارج نیز، از برگ لوریه سریز باید با رعایت احتیاط استفاده بعمل آورد. برای این کار، دم کرده آنرا در ظروف سر بسته تهیه کرده، برای رفع دردهای عصبی، سیاتیک و غیره با تأثیر دادن بر روی عضو بکار می برند. در رفع ناراحتی‌های حاصل از کوبیدگی اعضا، التهاب و ورم سطحی پوست، خارش، زخم‌های کهنه و دردناک از آن استفاده می گردد ولی در هر حال

باید توجه داشت که برگ گیاه دارای ماده سمی است و وسایل جذب آن از راههای سطحی بدن فراهم نشود.

سمومیت برگ و آب مقطر لوریه سروز به علت دارا بودن اسید سیانیدریک، بسیار خطرناکند و در بکار بردن آنها باید رعایت نهایت احتیاط بعمل آید.

سمومیت از لوریه سروز با عوارضی نظیر زیاد شدن ترشحات آب دهان، پیدایش حالت تهوع و استفراغ، سرگیجه، شتاب ضربان نبض و حرکات قلب و عرق سرد آغاز می گردد سپس تنفس به اشکال صورت گرفته، عمل ماهیچه ها بکلی ضعیف می شود و تدریجاً انقباض کزاز مانند آرواره ها و خیرگی چشم ها عارض می شود و خاتماً سرگ پیش می آید.

برای رفع سمومیت باید سریعاً با ادویه قوی آور و یا ایجاد حالت استفراغ، معده را از طرفی و اسعاء را از طریق دیگر تخلیه نمود بعداً معده را با محلول ۰٫۵ تا یک درصد پرینگنات-پتاسیم شستشو داد. تجویز مواد نیرو دهنده مانند الکل و اتر و تنفس مصنوعی ضروری است. ضمناً تزریق درون عضلانی بلودومیتیلن نیز اثر قطعی در خنثی کردن عمل اسید سیانیدریک در بدن دارد.

صورت داروئی- آب مقطر لوریه سروز که هر ۲۲ قطره آن باید یک گرم وزن داشته باشد و محتوی یک سیلیکرم اسید سیانیدریک نیز در هر گرم باشد (کدکس) به مقدار ۲ تا ۱۰ گرم در ۲ ساعت برای اشخاص بالغ در یک پیوسون مصرف می شود. مقدار مصرف آن برای اطفال بزرگتر از ۲ سال، ۲۰ گرم از آب مقطر برای هر یک از سنین عمر است.

در استعمال خارج، لوسیون آن که با رقیق کردن آب مقطر لوریه سروز تهیه می شود و پماد ۲۰ درصد آن برای رفع خارش بکار می رود.

آب مقطر لوریه سروز در فرمول عده ای از فرآورده های داروئی نظیر الیکسیرترین، کدئین، شربت پاپائین و غیره وارد می گردد.

از آب مقطر لوریه سروز، فرآورده های داروئی متعدد جهت درمان بیماریهای مختلف تهیه می گردد.

۱- بخور جهت درمان لارنژیت حاد

آب مقطر لوریه سروز	۱۰۰ گرم
الکل ۹۰ درجه	» ۱۰۰

یک قاشق سوپخوری در نیم لیتر آب گرم جهت استنشاق، در ۳ مرتبه در روز.

۲- جهت تسکین و درمان سرفه

آب مقطر لوریه سروز	۱۰ گرم
شربت تریاک	» ۳۰
شربت کلرال	» ۳۰
آب مقطر به مقدار کافی تا	۱۵۰ میلی لیتر

از مخلوط مواد مذکور به مقدار یک قاشق سوپخوری در هر دو ساعت جهت تسکین و رفع سرفه می توان استفاده بعمل آورد.

۳- شربت رفع برونشیت و التهاب نای

آب مقطر لوریه سروز	۱۰ گرم
شربت تلو (Tolu)	» ۵۰
— پرسیاوشان (Capillaire)	» ۵۰
— کدئین	» ۳۰
— صمغ به مقدار کافی تا	۲۵۰ میلی لیتر

به مقدار ۲ تا ۵ قاشق سوپخوری در روز، مخلوط در نصف لیوان آب گرم به طور فاصله دار مصرف شود.

۴- پماد جهت تسکین خارش

لانولین	۱۰ گرم
وازلین	» ۳۰
آب مقطر لوریه سروز	» ۱۰
گلاب	» ۱۰
آب مقطر بهار نارنج	» ۱۰

پماد حاصل از مخلوط مواد مذکور، خارش را تسکین می دهد.

در بعضی نواحی مختلف گیلان مانند اسمازاده ابراهیم، از برگهای خشک شده این درختچه مخلوط با علوفه، برای تغذیه داسها استفاده بعمل می آورند؟ برگهای تازه آن از این نظر مصرف ندارد.

ناسازگاری- کالوبل، سولیمه، برفین و محلول غلیظ املاح آن. کلریدرات کوکائین، آنتی پیرین، کلرال، کوکا، کنکینا، کافئین، کازئین و غیره.

محل رویش- نواحی شمالی ایران، آستارا، مازندران؛ دره تالار، نزدیک شیرگاه در

ارتفاعات ۳۰۰ متری، بین عباس آباد و قائم شهر (شاهی سابق) در ۴۰۰ متری گیلان بطوالش، اسامزاده ابراهیم: دانه های پائین کته چال در ۶۲۰ متری و دانه های کم ارتفاع علف دول (پیمان زرگری).

اسامی محلی - این گیاه در نور، کجور و مازندران به اسامی چل Djäl و جل، در لاهیجان به جلی در طولش و گیلان به چرم لیوه و در آستارا به چرم گیله موسوم است.

از بعضی Prunus ها و Podocarpus spicata R. Br. (از تیره Podocarpaceae)، ماده ای به نام ژنیس تئین Genisteine (پرونتول prunetol، ژنیس ترول genisterol) به دست آمده است که به فرمول $C_{15}H_{11}O_6$ و به وزن ملکولی ۲۷۰٫۲۳ است. استخراج آن از گیاه اخیر توسط Cebalo, Briggs انجام شده است (۱). ژنیس تئین، به صورت بلورهای مستطیلی یا شش گوش و میله مانند در الکل ۶۰ درجه به دست می آید. که در سمیت Cytisus scoparius از تیره فرعی پروانه وارن شرح داده شده است.

Prunus spinosa L.

فرانسه : Epine noire ، Créquier ، Epinette ، Prunier sauvage ، Prunellier
انگلیسی : Black thorn ، Spiny plum ، Sloe-tree ، Schlehe ، Schlehdorn
ایتالیائی : Spina fiorita ، Atrigna ، Prunello ، Pruno salvatico ، Prugnola
فارسی : درخت گوجه وحشی ، خالودار (در گیلان)

درختچه ای به ارتفاع ۲ تا ۳ متر و دارای شاخه های متعدد و خارهای فراوان است. در دامنه کوهستانها، جنگلهای کم درخت، حاشیه پرچین ها و اماکن نظیر آن می روید. از اختصاصات آن این است که گلهای سفید و فراوان آن، قبل از بهار، زمانی که هنوز برگ در گیاه بوجود نیامده ظاهر می شود و این خود نه تنها منظره زیبا به گیاه می بخشد بلکه تعداد پایه های آنرا در یک دامنه کم درخت به وضع جالبی جلوه می دهد. برگهای آن بیضوی نوک تیز بادندان ریز و منظم و ستهی به دبزرگ نسبتاً دراز است. میوه اش مدور و به قطر تقریبی یک تا ۱٫۵ سانتیمتر می باشد.

از مشخصات این درختچه که بهترین وسیله تشخیص آن از سایر گونه هاست یکی آن است که شاخه های متعدد و کم ارتفاع آن، تیغهای نسبتاً زیاد دارد و دیگر آنکه میوه و گل آن از درخت گوجه معمولی کوچکتر است. عمر طبیعی آن، بطوری که در نواحی مختلف بررسی گردیده است ۱۰ سال و یا بیشتر از آن است.

1 - Briggs, Cebalo, Tetrahedron 6, 145 (1959).

گلهای فراوان این درختچه با آنکه نوش فراوان تولید می کند معهذاً مورد توجه زنبور عسل قرار نمی گیرد زیرا زمان شکفتن آن (شکفتن قبل از بهار)، مناسب برای استفاده زنبور عسل نمی باشد.



ش ۶۹ : Prunus spinosa : شاخه های گلدار و میوه دار (اندازه طبیعی)
برش قائم گل

قسمت مورد استفاده آن، پوست ساقه، برگ، گل و میوه گیاه است.

ترکیبات شیمیائی - پوست این درختچه دارای ۳ درصد تانن است ولی فاقد آمیگدالین یا لوروسرازین، حتی در برگ، جوانه و گل می باشد. در گلهای آن کمی اسیدسیانیدریک، کوئرستین و کهمفرول (Fournier, p. Vol. 3, p. 278) وجود دارد ولی هیچ نوع ساپونین در آن یافت نمی شود.

میوه آن دارای تانن، فلوپافن phlobaphène، قندهای مختلف، اسیدمالیک، پکتین، صمغ، نوعی ماده رنگی قرمز به نام پرونی سیانین Prunicyanine و مغز درون هسته آن، دارای یک ماده چرب، آبیگدالین و اسولسین است. از تقطیر آن، می توان اسید سیانیدریک بدست آورد. **خواص درمانی**- پوست درختچه مذکور، گل و میوه آن قابض است. ضمناً پوست شاخه ها، مخصوصاً پوست ریشه آن، اثر تب بر ملایم دارد. گل‌های آن مدر، ملین و تصفیه کننده خون است. از برگ آن نوعی تیزان تصفیه کننده خون و دم کرده ای شبیه چای تهیه می کنند. ازین اعضای مختلف این درختچه، گل و میوه آن بیش از قسمتهای دیگر به مصارف درمانی می رسد. پوست ساقه و برگ آن، اثر ضد دیابت، رفع آسم و تسکین دهنده ناراحتی های آن دارد (Valnet J. Phyto. p. 654, 1979).

پزشکان قدیم را عقیده بر این بود که پوست ساقه این درختچه در طبابت های خانوادگی همواره باید در دسترس باشد زیرا نه تنها ماده داروئی بی زیانی است بلکه اعمال معده را نیز ضمن بروز اثر درمانی خود، تقویت می نماید. با مقادیر کم گل‌های خشک شده آن می توان سهولت جوشانده ای در منازل به مقدار یک فنجان در روز تهیه و مصرف نمود و این کار را نیز ۳ یا ۴ روز ادامه داد. مصرف جوشانده گل‌های آن در گرفتگی غیر ارادی ماهیچه های معده، شکم روش، سرفه، آب آوردن انساج، سنگ کلیه، قولنج های کبدی، ترشحات مهبلی، پیدایش دانه در پوست بدن اطفال و غیره توصیه شده است.

جوشانده ۲۰ در هزار میوه رسیده و یا شیره آن در رفع دیسنتری، تحریکات مجاری ادرار و در استعمال خارج به صورت غرغره و حمام دهان جهت رفع درد گلو و ورم لثه بکار می رود و اگر این جوشانده از راه بینی به بالا کشیده شود، در رفع رعاف (خون آمدن از بینی) مؤثر واقع می گردد.

از میوه رسیده آن نوعی لیکور داروئی با قرار دادن میوه پخته در عرق، و شیرین کردن آن با قند و معطر ساختن محلول با دارچین تهیه می نمایند.

صور داروئی- دم کرده یا جوشانده ۲۰ تا ۳۰ در هزار گل به مقدار ۲ تا ۳ فنجان به عنوان تصفیه کننده خون و به مقدار یک فنجان صبح ناشتا به عنوان ملین (به مدت چند روز متوالی) - جوشانده ۳ تا ۵ در هزار پوست ریشه و یا میوه آن به عنوان قابض مصرف دارد. از دم کردن یک تا دو سشت میوه رسیده خشک در یک لیتر شراب، نوعی شراب قابض و مقوی تهیه می گردد. دم کرده مخلوط برگ و ریشه گیاه به مقدار یک قاشق سویخوری (۲ دقیقه بجوشد و ۱۰ دقیقه دم کند) به مقدار ۲ فنجان در بین هردو غذا نیز مصرف می شود.

از مخلوط گل‌های درخت گوجه وحشی، شقایق، پیرک، ریشه جنتیانا، ختمی، شیرین بیان،

شین دان^(۱)، میوه انیس و Oenanthe phellandrium^(۲) (به مقدار کم)، به عنوان تصفیه کننده خون استفاده بعمل می آورند.

محل رویش- جنگلهای گیلان، نواحی مختلف البرز، عمارلو (راه بین چرم کش و بیورزن)، مازندران: پل زنگوله. آذربایجان: کوه قره داغ، ارسباران، حسن بگلو. بندرگز.

Prunus institia L. - درختچه ای است که در نواحی شمال غربی ایران، جنگلهای ارسباران و دره حسن بگلو می روید^(۳). برگ‌های بیضی شکل به طول ۴-۸ سانتیمتر و میوه مدور به رنگ سیاه دارد. در بعضی کتب علمی مانند فلور ایران نیز، سینونیم نوع دیگری به نام P. spinosa L. وارد شده است. میوه وارسته ای از این گیاه یعنی *Var. Bukharensis*، که رنگ تیره دارد، به نام **آلو بخارا** (Bukhara plum)، در کتب داروئی هند معرفی شده است و درباره میوه این وارسته با اشاره به آنچه که در مخزن الادویه آمده، اثر هضم کننده، اشتها آور و محرك ترشحات صفرا ذکر گردیده است. ریشه اش اثر قابض دارد و انگم آن نیز به نام **صمغ ایران** Persian gum با مصارفی شبیه صمغ عربی به بازارهای هند عرضه می شود؟. طعم میوه مذکور، ترش، رنگ آن روشن تر از نوع اروپائی و دارای اسید مالیک، قند، سواد البوسینوئیدی و پکتیکی است^(۴).

Prunus domestica L.

فرانسده: Prunier cultivé، انگلیسی: Plum tree، Garden plum، Plum
آلمانی: Pflaume ایتالیائی: Prungo، Susino، عربی: اجاص (Iggâss) برقوق (Barqûq)
فارسی: **درخت آلو**

درختی به ارتفاع متجاوز از ۵ متر، غالباً عاری از خار و دارای برگ‌های بیضوی دندانه دار است. گل‌های آن بزرگتر از گیاه قبلی و میوه اش درشت و دارای ظاهر بیضوی کشیده و خوراکی است. به حالت طبیعی یا به صورت خشک شده مصرف می شود.

از این درخت، بر اثر کشت های متوالی، نژادهای مختلفی با میوه های متفاوت از نظر شکل، ابعاد و رنگ بدست آمده است. نژادی از آن که میوه تیره رنگ دارد بر سایرین ترجیح داده می شود.

۱- Agropyrum repens، گیاهی از تیره Gramineae است.

۲- گیاهی از تیره Umbelliferae است.

۳- درختان و درختچه های ایران، دکتر حبیب الله ثابته، ۱۳۴۴.

4 - Pharmacographia indica, Dymock W., 1890, reprinted 1972, I, 568.

ترکیبات شیمیایی - پوست درخت آلو دارای ترکیب شیمیایی مشابه درخت گوجه وحشی است. جوانه های آن دارای گلوکزید مولد اسید سیانیدریک است. آلوئی تازه دارای اسیدمالیک و مقدار کمی از اسیدهای سیتریک، سوکسینیک و سالیسیلیک، ۳ درصد ساکارز و قندهای تبدیل یافته، ۴ درصد هیدراتهای کربن و سواد پکتیک می باشد.

در میوه خشک شده آن، مقدار نسبی قند به ۴۴ درصد و هیدراتهای کربن به ۱۸ درصد می رسد.

ترکیب شیمیایی مغز هسته آلو شبیه گیاه قبلی است. مغز هسته دارای ۳۰-۳۵ درصد ماده روغنی قابل استخراج است که تحت اثر فشار و درجه حرارت کم از آن به دست می آید. روغن مذکور که از مغز خشک پس از خارج کردن پوسته روئی آن و یا همراه با پوسته، به دست می آید، حالت روان و رنگ زرد طلائی و گاهی کمی تیره دارد. بو طعم آن ضعیف است. به سهولت تند می شود. در ۱۵- درجه انجماد حاصل می کند. وزن مخصوص آن در گرمای ۱۵ درجه بین ۰٫۹۱۵ و ۰٫۹۲۳ می باشد. اندیس انکسار آن در گرمای ۲۵ درجه بین ۱٫۴۶۴۰ و ۱٫۴۷۷۰ اندیس صابونی شدن بین ۱۸۸ و ۱۹۹ و اندیس ید آن بین ۷۵ و ۱۲۱ است. دارای ۶ تا ۷ درصد از اسیدهای چرب اشباع شده و بقیه از اسیدهای اشباع نشده است که قسمت اعظم آنها را اسید اولئیک همراه با مقداری اسید لینولئیک تشکیل می دهد.

روغن هسته آلو، مصارف مختلف در داروسازی و در عطرسازی دارد. به ندرت روغن آن بطور غیر مخلوط با مغز هسته های روغن دار تهیه می شود. مرکز تهیه آن، اروپای مرکزی است.

از ساقه این درخت و حتی میوه آن، نوعی انگم به خارج ترشح می شود که دارای قند مخصوصی به نام **پرونوز** (prunose) و همچنین گالاکتوز و آرابینوز است.

انگم درخت آلو، مصارف درمانی ندارد ولی معمولاً با ترشحات مشابه درختان دیگر در معرض استفاده های مختلف قرار می گیرد.

خواص درمانی - **آلوئی تازه**، در تمام مواردی که ادامه یک رژیم غذائی عاری از مواد ازته ولی انرژی دهنده، ضرورت پیدا نماید می تواند بکار رود. از این جهت در غذای مبتلایان به رماتیسم، نقرس و تصلب شرائین وارد می شود مخصوصاً که اثر مدر نیز دارا می باشد. مصرف آن در صبح ناشتا، بطور خالص یا بانان چاودار، در رفع یبوست های عادی و تقویت اعمال کلیه مؤثر است ولی معهذاً کسانی که معده حساس دارند نباید به مقادیر زیاد از آن مصرف نمایند. برای اشخاص مسن و کسانی که از یک بیماری برخاسته اند نیز نباید مورد استفاده قرار گیرد.

به جای آلوئی تازه اگر پخته شده آن مصرف گردد، نه تنها عوارض آلوئی تازه ظاهر نمی شود بلکه سهلتر نیز هضم می گردد. در مصرف آلو همیشه باید به این نکته توجه داشت که مغز هسته آن به علت دارا بودن اسید سیانیدریک، خطرناک است.

آلوئی خشک، در رفع یبوست ها همواره مورد استفاده مردم بوده است بطوری که قرنهاست که بدین منظور از آن استفاده های درمانی بعمل می آید.

Dr. H. Leclerc، آلوئی خشک را غذای مناسب، سهل الهضم و ملین برای کسانی که حتی دستگاه هضم حساس دارند، ذکر نموده است. کمپوت آلوئی خشک غذای مناسبی برای مبتلایان به بواسیر و یبوست است.

تجربه نشان داده است که داروهای ملین و سهیل با آنکه همگی عمل لینت یاسهلی ظاهر می کنند و با مصرف آنها، دفع مواد سریعاً و یا بطئی صورت می گیرد معهذاً چون غالباً پس از مدت کوتاهی، یبوست دائمی و یا حالت التهاب در دستگاه هضم ممکن است بوجود آورند قابل مقایسه با آلوئی خشک نیستند زیرا آلوئی خشک نه تنها یک غذای سهل الهضم و ملایم است بلکه مصرف آن موجب می گردد که ضمن ایجاد لینت، عمل دفع، وضع منظم پیدا کند بدون آنکه ضرری همراه داشته باشد.

Dr. Dehaut، ضمن بررسی های خود به این نتیجه رسید که اگر آلوئی خشک کاملاً پخته و یا شیره آن به مقدار یک لیوان قبل از خواب مصرف گردد، نتیجه بسیار خوب در موارد مذکور از آن حاصل می شود.

عده ای از پزشکان مانند Dr. P. Carton، آلوئی خشکی که مقدار قند آنرا کم کرده باشند از آلوئی خشک معمولی که در بازارها به فروش می رسد، در مصارف درمانی مؤثرتر ذکر کرده اند زیرا به این نتیجه رسیده اند که مصرف این نوع آلو، عمل لینت و دفع صفرا را به نحو بهتر انجام می دهد. برای این کار باید آلوئی خشک را به صورت قطعاتی در داخل ظرف آبی ریخته، حرارت دهند و آب ظرف را نیز چندبار تعویض نمایند منتها در موقع تعویض به جای آب سرد، آب گرم در داخل ظرف بریزند. با این عمل مقدار نسبی قند در قطعات آلو تدریجاً کاهش حاصل نموده در موقع لزوم به حالت نیم گرم مخلوط در مقدار کمی آب، قبل از غذا می تواند مصرف گردد.

از آلوئی خشک، شربت و سربا تهیه می شود. خیسانده آن در آب نیز عمل صفرابردار دارد بطوری که به این صورت غالباً مورد استفاده قرار می گیرد.

از آلوئی تخمیریافته، نوعی شراب تهیه می شود.

پرورش درخت آلو و نژادهای سرغوب مختلف آن در ایران معمول است و سالانه محصول فراوان آنها، بحالت خشک شده به بازارها عرضه میشود. آلوئی خشک، بحالت معمولی

یا به صورت خیسانده و یا مخلوط در اغذیه، جهت خوش طعم ساختن طعم مواد غذایی مصرف جاری دارد.

از گونه های مختلف *Prunus*، ماده ای به نام **پرونه تین** (*Prunetin*)، *Prunetin* (پرونوتین) نیز استخراج شده است (1).

پرونه تین *Prunetin*، به فرمول $C_{14}H_{12}O_6$ و به وزن ملکولی ۳۸۴٫۳۶ است. سنتز آن توسط *Bradbury* و *White* انجام گرفته است (2).

پرونه تین به صورت بلورهای سوزنی شکل در اتانول به دست می آید. نقطه ذوب آن، در گرمای ۲۴۰ درجه است.

Pygeum (Prunus) africana Hook. f. - درختی است به ارتفاع ۳ متر که در جنگلهای

نواحی حاره افریقا، مخصوصاً کابرون، ماداگاسکار و حبشه در ارتفاعات ۱۶۰۰ متری میروید. برگهای ساده، بیضوی نوک تیز با کناره ناصاف و کنگره دار، به طول ۵-۱۰ و به عرض ۲ تا ۶ سانتیمتر دارد. گلهای آن کوچک، به رنگ سفید-کرم، معطر و مجتمع به صورت خوشه های ساده، واقع در قاعده ساقه های کوچک است. میوه اش به رنگ قرمز، بی کرم، مدور، و سطح در قسمت انتهائی می باشد. برجستگی کوچکی نیز که خامه مادگی است در وسط آن باقی می ماند. پوست تنه این درخت، رنگ قرمز-قهوای پیدا می کند و بر اثر سرور زمان، رنگ آن تیره می شود. بوی مخصوص اسانس بادام تلخ نیز از آن استشمام می گردد.

قسمت مورد استفاده این درخت پوست ساقه آن است که به صورت نوارهایی از آن جدا می شود. از پوست ساقه درخت، نوعی ترکیب لیپیدو-استرولیک (*Lipido-stérolique*) استخراج می شود. برای این کار، قطعات پوست درخت را به صورت گرد در آورده، تحت اثر کلروفر-اتیلن و در دستگاههای مخصوص، ماده مؤثره را استخراج و پس از صاف کردن و تغلیظ در حلاله به مصارف درمانی می رسانند.

از عصاره مذکور، نوعی فرآورده داروئی به نام تاده نان *tadenan* تهیه می شود که در کاهش حجم حالت توموری غده پروستات (*Adénom prostatique*) مؤثر واقع می شود. در ایران نمی روید.

1 - Hasegawa, Shiroto, J. Am. Chem. Soc. 79, 450 (1957).

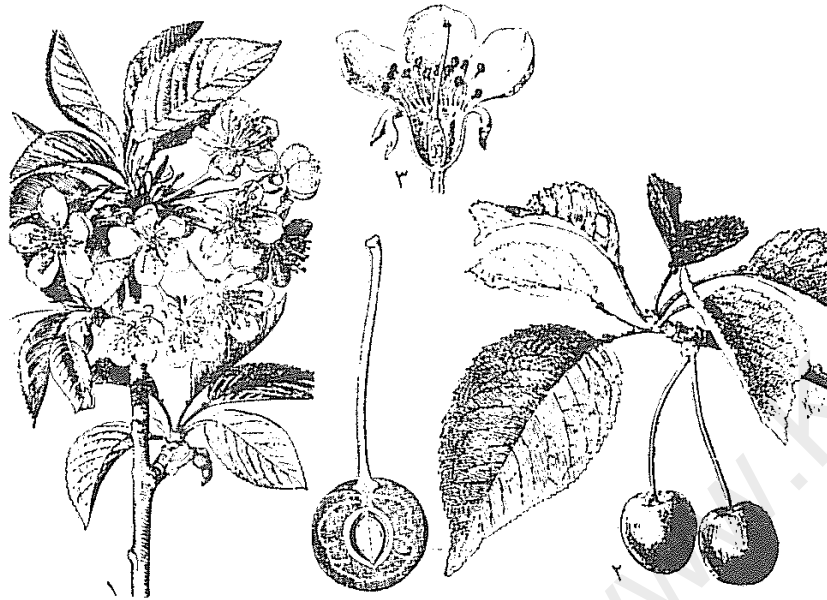
2 - Bradbury, White, J. Chem. Soc. (1935) 871.

Cerasus avium (L.) Moench.

Prunus avium L. ، *P. dulcis* Mill.

فرانسه : *Merisier vrai* ، *Cerisier des oiseaux* انگلیسی : *Wild Cherry* ، *W. gean*
آلمانی : *Süsskirsche* ، *Vogelkirsche* ایتالیائی : *Ciliegio vicicola* عربی : کرزبری، کرزاسود
فارسی : آلوککک، هلی ککک، سیاهلی (سازندران)، گیله بند، هولدانه (گیلان)

این درخت که در واقع نوعی آلبالوی وحشی است، در نواحی شمال ایران و منطقه البرز می روید. پراکنندگی آن به صورتی است که تا ارتفاعات متجاوز از ۲۰۰۰ متری منطقه البرز، واقع در پیل زنگوله و کجور بالا می رود.



ش ۶۹ - *Cerasus avium* : سرشاخه گلدار ۲- شاخه میوه دار ۳ و ۴ برش های قائم گل و میوه (به اندازه های تقریباً طبیعی)

ارتفاع ساقه انواع پرورش یافته گیاه و یا پایه هائی که در نواحی مساعد می روید از ۱ متر تجاوز می کند. عمر آن خیلی زیاد و در حدود چند قرن است. نژادهای وحشی آن که در جنگلهای می رویند، میوه ای سیاه رنگ، کوچک و به قطر یک سانتیمتر دارند. از میوه آن نوعی نوشابه به نام کیرش *Kirsch* در اروپا تهیه می شود.

یونانی ها، انواع مختلف آنرا در . . ۵ سال قبل از میلاد مسیح پرورش می داده اند ولی رومیان، فقط نژادهای وحشی آنرا می شناختند.
در سال ۶۴ قبل از میلاد Luculus، نمونه های پیوند یافته این درخت را در آسیای-صغیر نفوذ داد.



ش ۷۰ - Cerasus avium : شاخه گلدار و میوه دار - منظره درخت

در کتب مختلف، *Cerasus juliana* Rehb. به تفاوت، نژادی از *C. avium* و یا به صورت گونه علیحده ای ذکر شده است. گیاه مذکور که به فرانسه Guigne نامیده می شود، به خلاف گونه اصلی، دارای میوه های نسبتاً درشت، به رنگ قرمز یا سیاه و شامل ۱۰ تا ۱۵ درصد ماده قندی و ۳۰ تا یک درصد اسیدهای مختلف است. از میوه آن نیز کپرش تهیه می گردد.
کپرش، دارای مقدار کمی اسیدسیانیدریک، معادل ۹ میلی گرم تا ۱۴۷ میلیگرم در ۱۰۰ سانتیمتر مکعب است. کپرش اگر به خوبی تهیه شده باشد، اثر نیرودهنده دستگاه -

هضم دارد مشروط بر آنکه به علت دارا بودن اسید سیانیدریک، به مقدار کم مصرف شود. نوع غیرطبیعی آن که در صنعت تهیه می شود، به علت دارا بودن اسید سیانیدریک زیاد، خطرناک است. بنظر می رسد که درخت گیلاس، از گونه فوق منشأ گرفته باشد.
مقدار درصد اسید سیانیدریک آن با آنکه ۳ مرتبه بیشتر از عرق گوجه است مع هذا اگر به مقدار نسبتاً زیاد مصرف شود خطرناک نخواهد بود.

گیلاس، به تناسب نژادها و واریته های مختلف، دارای ۶ تا ۱۵ درصد مواد قندی و اسیدهای آلی مختلف است.

خواص درمانی- گیلاس علاوه بر آنکه میوه خوش طعم و مطبوعی است، دارای ویتامین A (کاروتن) و اثر مدر می باشد.

دم گیلاس (دسگل)، طعمی قابض، تلخ و اثری مدر دارد. دم کرده آن در طب عوام به عنوان مدر در بیماریهای مختلف بکار می رود.

دم گیلاس یا دم آلبالو در فرمول تعداد زیادی از فرمول های دارویی گیاهی که جهت درمان ناراحتی های کلیه و سجاری ادرار مانند ورم کلیه (nephrite)، آلبومینوری، آب آوردن اعضای بدن، دفع رسوبات ادراری، سنگ کلیه و همچنین موارد مختلف دیگر تهیه می شود، وارد می گردد.

نسخه جهت درمان آلبومینوری

گل Cytisus scoparius (1)	۱۰ گرم
Galium Aparine	» ۲۵
Herniaria glabra	» ۲۵
دم گیلاس	» ۲۵
چوب شیرین بیان	یک قطعه

اعضای گیاهان مذکور را در ۲ لیتر آب وارد کرده به مدت ۵ تا ۶ دقیقه می جوشانند و پس از سرد شدن، صاف می کنند. مقدار مصرف آن یک لیتر در شبانه روز است.

مغز هسته آلبالوی وحشی و حتی گیلاس، گلوکزید سولف اسیدسیانیدریک دارند. از روغن مغز هسته آن در طب عوام جهت رفع درد و ناراحتیهای معدی مخصوصاً برای اطفال استفاده

۱- *Cytisus scoparius*، در ایران نمی روید. بجای آن در فرمول مذکور می توان از کاکل-ذرت که اثر مدر دارد استفاده کرد.

بعمل می‌آید ولی در هر حال چون دارای گلوکزید مولد اسید سیانیدریک است در مصرف آن باید رعایت احتیاط بعمل آید تا در مصارف داخلی به کار نرود.

بهداشت پوست:

له شده گیلاس رسیده اگر بر روی پوست صورت و گردن اثر داده شود باعث تجدید حیات سلولهای بشره پوست و رفع پڑ سردگی آنها می‌شود. به کار بردن آن، مخصوصاً پس از پاک کردن آرایش صورت، توصیه می‌گردد.

صور داروئی - جوشانده ۳۰ در هزار دم گیلاس که قبلاً به مدت ۱۲ ساعت در آب سرد خیس خورده باشد برای مصرف در دو روز بکار می‌رود.

دم گیلاس و آلبالوی اهلی وحشی اثر مدر دارند و شهرت درمانی آنها در بین مردم کشور ما زیاد است.

محل رویش - *C. avium* در نواحی شمالی ایران، گیلان: جنگل آستارا، مغرب آستارا در ۹۰۰ متری. مازندران: کجور بین کینج و دشت نظیر در ۸۰۰-۱۳۰۰ متری و اطراف تهران: پس قلعه می‌روید.

در آستارا به **گیلاس**، در رامیان و زیارت به **آلو کک** Aloukak، در نور و کجور به **هلی کک**، در مازندران به **سیا هلی** در شیرگاه شمال به **هالمر** Hal-lar، در کتول، زرین گل و گرگان به **الی کک** Ali-Kak در طوالش به **گیاله بند** و در راسر و شهسوار به **هولده** هولدانه موسوم است.

Cerasus vulgaris Miller

Prunus Cerasus L., *P. caproniana* Hort. ex. Reichb.

فرانسه: Wild cherry، Aramella انگلیسی، *C. aigre*، *Cerisier commun*، Griottier

آلمانی: Kirschen، Sauerkirshen ایتالیائی: Ciliegio ageretto عربی: کرز (Karaz)

فارسی: آلبالو، آلبالو

درختچه‌ای است به ارتفاع کمتر از گیاه قبلی که بر اثر تولید پاجوشهای فراوان، بسهولت در منطقه‌ای انتشار پیدا می‌کند. از مشخصات آن این است که برگهای بیضوی نوک تیز، دنداندار و میوه کروی، به بزرگی گیلاس، به رنگ قرمز روشن یا تیره (بندرت سیاه یا مایل به زرد) با طعم ترش دارد. به حالت وحشی در نواحی مختلف ایران مانند کردستان می‌روید. در کوه - دشته و ارتفاعات کندور در دره کرچ نیز نام برده شده است.

پراکنندگی آن امروزه در نواحی مختلف نیمکره شمالی عمومیت پیدا نموده است. منشاء اصلی آن نواحی مختلف مشرق زمین ذکر شده است.

خواص درمانی - از شیر به بیوه ترش مزه آن، نوعی بشروب غیرالکلی مطبوع تهیه می‌شود که به بیماران تب دار، مبتلایان به ناراحتیهای کبدی و ورم مزمن دستگاه هضم (معده و روده)، التهاب و ورم کلیه و غیره داده می‌شود. دنگل آن مانند دم گیلاس اثر مدر دارد و در بیماریهای مختلف دستگاه دفع ادرار، آرتری تیسیم مورد استفاده قرار می‌گیرد.



ش ۷۱ - *Cerasus vulgaris*: شاخه گلدار - میوه و برش آن

صور داروئی - جوشانده یک شست دم آلبالو (یادم گیلاس) را که در حدود ۳۰ گرم می‌شود در یک لیتر آب که مدت جوشاندن از ۱۰ دقیقه تجاوز نماید تهیه کرده سپس به حال خود می‌گذارند تا دم کند. اگر دم آلبالو تازه نباشد یعنی خشک باشد باید آنرا قبلاً به مدت ۱۲ ساعت در آب خیساند و سپس جوشانده تهیه کرد. مقدار مصرف آن، نیم لیتر در شبانه روز است. بعلاوه از آن علاوه بر جوشانده، عصاره نیز تهیه می‌کنند که ۲-۳ گرم در روز مصرف می‌شود.

پوسیدون مدر

عصاره آبی دم آلبالو یا دم گیلاس ۳ گرم
شربت آلبالو ۱۰۰ »
آب به مقدار کافی تا یک لیتر

محلول حاصل را در ۲ یا ۳ دفعه در روز می توان مصرف نمود.

نوشابه مفرح و مدر

دم آلبالو (یادم گیلاس) ۳۰ گرم
آلبالوی تازه ۲۰۰ »

دم آلبالو (یادم گیلاس) را به مدت ۱ دقیقه در یک لیتر آب می جوشانند و سپس مایع حاصل را بر روی ۲۵۰ گرم آلبالوی تازه (یا نگهداری شده در یخچال) و یا بر روی قطعات سیب می ریزند و مدت ۲ دقیقه بحال خود می گذارند سپس با فشار صاف می کنند (H. Leclerc). آلبالو، میوه ای است خوش طعم که اثر تصفیه کننده خون، ضد سم، مسکن اعصاب، مدر و ملین دارد. در رفع چاقی، درمان تصلب شرائین، تأمین عناصر معدنی بدن و نمو، درمان رماتیسم، نقرس، دفع سنگ کلیه و سنگهای صفراوی، بیوست و غیره. اثرات مفید ظاهر می کند (Valnet J., Trait. par Légumes... 1982).

در استعمال خارج، شمع حاصل از له شده میوه هسته دار اگر بر روی پیشانی قرار گیرد، ناراحتی ها میگرن را تسکین می دهد و اگر بر روی صورت، ناحیه گردن اثر داده شود، باعث بهبود و تقویت پوست می گردد.

روغن مغز آلبالو در تسکین دردهای رماتیسمی، از بین بردن زگیل و رفع لکه های صورت مؤثر واقع می گردد.

محل رویش - لرستان، اشتران کوه، خرم آباد، اراک، کرمان (دره چوپر)، کردستان کوه دشته کرج و شیراز.

درختچه مذکور دارای وارپته ها و دو رگه هائی با میوه شیرین نیز می باشد و چون میوه آن در بعضی وارپته ها به درشتی گیلاس است، از این جهت آنها متفاوت، درخت گیلاس یا گیلاس - قرمز نیز می نامند. اثرات درمانی مغز هسته، میوه و دمنگ آن نیز بطوری که قبلاً ذکر شد مشابه درخت گیلاس می باشد.

Cerasus Mahleb (L.) Mill.

Prunus Mahleb L. ، *Padus Mahleb (L.) Borkh.*

فرانسه : *Cérisier odorant* ، *Faux mérisier* ، *Mahleb* ، *Bois de Saint Lucie*

انگلیسی : *Weichselkirsche* ، *Falsenkirsche* ، *Mahleb cherry* ، *Rockcherry* ، آلمانی

ایتالیائی : *Legno di Santa Lucia* ، *G. odorosa* ، *G. canino* ، *Ciliegio mahleb*

فارسی : **محلِب** ، **محلجم** (در شهرستانک) - عربی: محلِب، شجره ادریس (*Sh. adris*)

درختچه ای است پر شاخه که به حالت وحشی در جنگلهای کم درخت یا حاشیه جنگلهای و اماکن نظیر آن، متفاوت در زمینهای آهکی و سیلیسی می روید. از اختصاصات آن این است که برگهای بیضوی دراز، نوک تیز، دنداندار و گلتهای بسیار معطر، سفید رنگ و مجتمع به صورت دسته های ۸ تا ۱۰ تائی دارد. میوه آن کوچک، سیاه رنگ، دارای طعم تلخ و به بزرگی یک نخود - کوچک است.

قسمت مورد استفاده گیاه نیز، میوه، مغز دانه و چوب آن است.

در کیبات شیمیائی - مغز دانه آن دارای گلوکزید مولد اسید سیانیدریک است. چوب آن بوی معطری دارد که مربوط به کوبارین می باشد.

خواص درمانی - از میوه تخمیر شده آن، نوعی کیرش بدست می آورند که به مصارف تهیه لیکور می رسد.

از چوب آن سابقاً به عنوان معرق استفاده بعمل می آمده است. پزشکان قدیم، از له شده مغز دانه آن به صورت مالیدن، در رفع درد ناحیه کلیه و کمر استفاده بعمل می آوردند. از مخلوط آن در غسل، جهت رفع قولنج های کبدی و کلیوی استفاده بعمل می آمده است و چون مصرف مقادیر درمانی آن تعیین نگردیده از این جهت به علت دارا بودن گلوکزید مولد اسید سیانیدریک باید به مقدار کم و در کمال احتیاط بکار رود.

محل رویش - آذربایجان: نزدیک قره داغ. لرستان: شتران کوه، قلعه رستم. بختیاری: دماور در ۳۶۰۰ متری بیشه در ارتفاعات ۱۲۰۰ متری، درود. همدان: کوه الوند. دره کرج، شهرستانک.

اسامی محلی - این درختچه در نواحی غربی ایران **محلجم** و در لرستان به **محلجم** موسوم است.

Prunus padus L. * ، **Cerasus padus DC.** - درختچه ای است که برگهای بیضوی نوک تیز و گلتهای کوچک و بسیار معطر و مجتمع به صورت خوشه های پر گل در محور ساقه دارد.

بیشتر در اراضی سیلیسی، جنگلهای مرطوب، دره و توربزارهای نواحی مختلف اروپا مانند فرانسه می‌روید. میوه‌اش سیاه رنگ و به بزرگی یک نخود است.

ترکیبات شیمیائی - پوست این درختچه دارای تانن، صمغ و لوروسازین است.
خواص درمانی - از پوست آن سابقاً در طب عوام به عنوان مدر، معرق، مقوی معده و تب‌بر استفاده بعمل می‌آمده است.

برگ و گل آن نیز دارای لوروسازین است و چنین شهرت دارد که اثر ضد تشنج ظاهر می‌نماید. جوشانده جوانه‌ها و حتی برگ آن، به مصارفی شبیه لوریه سریز می‌رسد. از میوه آن گاهی برای معطر ساختن مشروبات استفاده بعمل می‌آورند.
این گیاه در ایران نیست.

Persica vulgaris Miller

Prunus persica (L.) Batsch. ، *Amygdalus persica* L.

فرانسه: Pêcher انگلیسی: Peach tree آلمانی: Pfirsichbaum ایتالیایی: Persico، Perso
فارسی: درخت هلو، اشتالودار (درگیلان)، درخت شفتالو، عربی: خوخ (Khawkh)

درخت هلو، در طی دوران نامگذاری نباتات، به ترتیب در گروه سیب‌ها (Pomoideae) توسط Bauhin یا بادام‌ها (توسط Linné) و یا در گروه گوجه‌ها (Prunoideae) توسط بعضی از گیاه‌شناسان زمان حاضر، جای داده شده است و نامهای مذکور به انضمام *Malus persica* Bauhin برای آن تعیین گردیده است.

درخت هلو، در یونان قدیم به نامهای (Persikon، Persion، و Persicum) نامیده می‌شد از این جهت اسامی زبانهای مختلف فرانسه، انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی و غیره همه از سه کلمه یونانی و لاتین مذکور با رعایت تغییراتی نتیجه گردیده است. توجه به اسامی مذکور و حتی نامهای یونانی و لاتین آن، این نکته را روشن می‌سازد که در هر حال، نام گونه این درخت از کلمه Perse (ایران) مشتق شده است.

منشأ درخت هلو با همه نامگذاریهائی که به نام ایران بعمل آمد، در حقیقت کشور چین بوده زیرا مدارک تاریخی نشان می‌دهد که در ۲۰۰ سال قبل، به حالت وحشی در نواحی مرکزی و شمالی چین می‌روئیده است. در ۱۲۸ سال قبل از میلاد مسیح، به آسیای صغیر برده شد و در قرن اول میلادی نیز از ایران به ایتالیا و ناحیه‌ای به نام پروونس Provence منتقل گردید. در زمین‌های دوران چهارم اطراف شهر سون‌پلیه (از شهرهای جنوب فرانسه)، هسته این درخت را به دست آوردند

ولی بطور دقیق معلوم نیست که متعلق به گیاهی باشد که امروزه درخت هلونامیده می‌شود. در قرون وسطی، از آن به صورت یک گیاه داروئی مفید استفاده بعمل می‌آوردند مانند آنکه برگ این درخت در درمان بیماریهای مختلف مانند صرع، ابتلائی به کرمهای مختلف و سنگینی گوش و پوست گیاه برای رفع بوی بد دهان، باد سرخ، و همچنین مغز هسته آن برای رفع سردرد، اختلالات هضمی، تقرس، آنژین دوپواترین، بی‌اختیاری دفع ادرار و بیماریهای مختلف بکاری رفته است.



ش ۷۲ - *Persica vulgaris*: شاخه گلدار و میوه‌دار (اندازه طبیعی)

پیروان جالیوس حکیم و مکتب پزشکی اعراب، از میوه آن استفاده بعمل نمی‌آوردند. تدریجاً بکار بردن میوه درخت هلو، آن هم با شراب، توسط St. Hildegard و حکمای معاصر آن دوران توصیه گردید. از قرن ۱۸ به بعد، از میوه درخت به صورت یک میوه لذیذ و گوارا استفاده بعمل آمد و پرورش آن تدریجاً توسعه یافت.

درختی است زیبا، دارای برگهای باریک، دراز، دندانه‌دار، با کناره موجدار و برگشته، که به‌علت دارا بودن میوه درشت و خوش طعم، در نواحی مختلف مخصوصاً ایران پرورش می‌یابد. دوام آن کم و در حدود ۵ تا ۶ سال است. میوه نژادهای متنوع آن، در دو دسته، یکی پوشیده از کرک و معمولاً دارای میان‌بر چسبیده به هسته (جدا نشدنی) و دیگری صاف و دارای میان‌بر جداشدنی از هسته جای داده می‌شود.



ش ۷۳ - *Persica vulgaris*: سرشاخه برگ‌دار (۱/۴ اندازه طبیعی)

انواع دارای میوه صاف، شلیل نامیده می‌شود که ظاهری متمایز از هلودارد. نام علمی درخت سولد آن نیز *Persica laevis* DC. می‌باشد. گل‌های درخت هلو، درشت و به‌رنگ صورتی یا گلی روشن و یا مایل به ارغوانی است و چون قبل از پیدا شدن برگ، بر روی ساقه‌ها ظاهر می‌گردد از این جهت منظره بسیار زیبا به‌درخت می‌بخشد. از درخت هلو، نوعی انگم نیز به‌خارج ترشح می‌شود. گل درخت هلو، نوش فراوان ایجاد می‌کند ولی به‌علت عمق کاسه‌آن، نمی‌تواند موارد استفاده زنبور عسل قرارگیرد.

گل، برگ، میوه و مغز آن مصارف درمانی دارد.

تورکیبات شیمیائی - تمام قسمتهای درخت هلو، کم و بیش دارای آبیگدالین (تا ۳ درصد) است. این گلوکزید در مغز هسته بادام تلخ و همچنین در دانه یا جوانه و یا اعضای دیگر گیاهان مختلف تیره گل سرخ نیز وجود دارد.

برگک هلو، علاوه بر گلوکزید مذکور، دارای لوروسرازین و قندهای مختلف (ساکارز و دکستروز) می‌باشد.

مغز هلو علاوه بر آبیگدالین، دیاستازهای به‌نام امولسین، **کونگلوتین** conglutine و ۲۵ تا ۳۵ درصد روغنی شبیه روغن بادام تلخ دارد.

روغن مغز هلو، اگر دانه آن دارای آب باشد، قابلیت استخراج ندارد زیرا وجود آب باعث می‌گردد که امولسین، بر روی گلوکزید آن تأثیر کرده و موجب آزاد شدن اسیدسیانیدریک گردد.

پوست درخت هلو، دارای تانن است. انگم درخت هلو دارای گالاکتوز و سواد مختلف دیگر می‌باشد.

هلو، بطور متوسط دارای ۸۳ درصد آب، ۹ تا ۱۰ درصد مواد قندی مختلف، ۰.۷۰ ر. تا یک درصد اسیدهای آلی آزاد مانند اسید سیتریک، وینیک، مالیک و ۳ و ۴ درصد مواد ازته، ۰.۴۸ درصد پکتین و ویتامین‌های مختلف است.

سمومیت برگک، گل و مغز هلو به‌علت دارا بودن آبیگدالین، اثر سمی دارند و مصرف زیاد یا مداوم آنها، موجبات سمومیت رافراهم می‌سازد زیرا بتفاوت در بعضی از نژادهای درخت هلو، تا حد ۳ درصد نیز از این گلوکزید در اعضای مختلف دیده شده است. از این جهت در مصارف درمانی همیشه باید رعایت احتیاط بعمل آید تا استفاده از آن، صورت مداوم پیدا نکند زیرا موارد سمومیت متعدد در طی زمانهای مختلف از آن دیده شده است.

خواص درمانی - گل هلو و برگ آن، اثر مسهلی ملایم، مدر، آرام‌کننده و کم‌ویش تب‌بر دارند. برای پوست درخت نیز، اثر تب‌بر و ضد کرم قائل‌اند. مصرف مداوم مغز هسته، برگ و گل هلو، به‌علت دارا بودن، آبیگدالین و آزاد شدن اسیدسیانیدریک، ممکن است سمومیت ایجاد کنند. با آنکه مقدار نسبی آبیگدالین برحسب نژادهای مختلف هلو در آن تفاوت می‌نماید و حتی نژادی از درخت هلو وجود دارد که مقدار نسبی گلوکزید در آن بسیار کم است، با این حال مصرف گل هلو از نظر ایجاد عمل مسهلی و یا برگ و مغز هسته آن در موارد دیگر، باید طوری باشد که اولاً به مقادیر کم بکار روند و ثانیاً برحسب تجربه، معلوم گردد که چه مقدار از آنها در عین حال که ایجاد ناراحتی و عوارض بد نمی‌کنند، اثر درمانی ظاهر می‌سازند. در بین

درختان هلو نمونه‌هایی وجود دارد که از پیوند دوگونه بادام و هلو نتیجه شده‌اند و با آنکه بررسیهای طب عوام نشان داده است که گل چنین درختانی به عنوان ملین حتی در طبابت اطفال بدون آنکه ایجاد ناراحتی کند می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، معیذا باید در مصرف اعضای درخت مخصوصاً برگ، گل و مغز آن رعایت احتیاط را بعمل آورد.

هلو، نه تنها میوه‌ای مغذی و خوش طعم است بلکه اثر ملین نیز دارد. فقط در مصرف آن نباید زیاده روی بعمل آید زیرا نه تنها سهل الهضم نیست بلکه عوارض هضمی مانند نفخ ایجاد می‌نماید.

از گل و برگ هلو، به صورت شربت در طبابت استفاده بعمل می‌آید زیرا مقدار نسبی ساده مؤثره در شربت، کمتر از صور دیگر داروئی آن است. از گل هلو بیشتر به صورت دم کرده در آبگوشت گوساله یا در شیر و به عنوان دفع کرم استفاده بعمل می‌آورند.

اثر مدر جوشانده برگ هلو باعث گردیده که در بیماریهای مجاری ادرار، نفریت، قولنج کلیوی، سنگ کلیه، ورم مثانه، اسپاسم و نزله مزمن مثانه بکار رود.

بررسیهای مختلف نشان داده است که مصرف مخلوط آب مقطر بادام تلخ و دم کرده برگ درخت هلو در موارد فوق اثرات درمانی مفید ظاهر می‌سازد. مشروط بر آنکه به مقادیر درمانی و کم بکار رود.

از دم کرده گل یا برگ هلو، سالها جهت رفع سیاه‌سرفه، در نواحی مختلف استفاده بعمل می‌آورده‌اند.

در استعمال خارج، له شده برگ هلو به صورت ضماد اگر در ناحیه شکم اطفال قرار داده شود نه تنها دل پیچه را آرام می‌نماید بلکه برای آن اثر دفع کرم نیز قائل‌اند. له شده برگ تازه هلو اثر آرام کننده دردهای سطحی بدن، زخمهای سرطانی، سوزدهای توأم با التهاب و درد و بطور کلی ورم نواحی سطحی بدن دارد. قرار دادن ضماد برگ هلو بر روی زخم‌های سرطانی از قدیم الایام مرسوم بوده و توصیه شده است. ضماد حاصل از قطعات برگ هلو و جعفری در روغن زیتون، برای رفع سوختگی و ضرب دیدگی مصرف دارد.

بهداشت پوست

برای طراوت پوست صورت، قراردادن هلوئی تازه و له شده بر روی پوست، از قدیم الایام بین زنان بلبل مختلف معمول بوده است و هنوز هم این عمل انجام می‌گیرد به طوری که حتی در کتب و مجلات بهداشتی و آرایشی انعکاس دارد و مورد تأیید می‌باشد. برای این کار هلو را به دقت پوست کنده و له می‌نمایند سپس بر روی پوست قرار می‌دهند و مدت ۲ دقیقه به همان حال در استراحت بصری برنند. سپس صورت را با آب باران یا آب معدنی می‌شویند.

صورت داروئی - دم کرده ۱۰ تا ۳ گرم گلهای خشک شده هلو در یک لیتر شیر یا در یک جوشانده به عنوان ملین برای اشخاص بالغ و ۲ تا ۴ گرم آن به همین منظور برای اطفال بکار می‌رود.

دم کرده گلهای تازه هلو به مقدار ۲ تا ۳ گرم برای یک فنجان به عنوان ملین و به مقدار ۵ تا ۱۰ گرم برای یک فنجان به عنوان مسهل مصرف دارد.

از مخلوط ۸ قسمت گل هلو، ۱۲ قسمت آب‌جوش و ۸ قسمت قند، شربت تهیه می‌کنند که به مقدار ۴ تا ۱۰ گرم در روز برای اطفال و ۳ تا ۵ گرم برای اشخاص بالغ، به حالت خالص یا مخلوط در یک دم کرده بکار می‌رود. به جای برگ و گل هلو می‌توان از جوانه‌های درخت هلو نیز استفاده‌های درمانی بعمل آورد. گردگلهای خشک شده هلو به مقدار ۲ تا ۴ گرم مخلوط در عسل یا در یک پوسیون و شیر هلوئی تازه (به عنوان ملین و مدر) به مقدار یک لیوان، صبح ناشتا و به مدت چند روز پی‌درپی نیز بکار می‌رود.

شربت ملین و آرام کننده برای اطفال

عصاره روان گل درخت هلو ۵۰ گرم
شربت ساده ۹۰۰ »

به مقدار یک تا ۳ قاشق قهوه‌خوری، شب قبل از خوابیدن به تناسب سن، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. شربت مذکور به صورت زیر تهیه می‌شود:

مقدار ۱۰۰ گرم از گل‌های درخت هلو را به مدت کافی در یک لیتر آب به ملایمت می‌جوشانند و سپس صاف می‌کنند. به محلول صاف شده، معادل وزنش، قند اضافه می‌کنند و به صورت شربت در می‌آورند.

در استعمال خارج، مخلوط قطعات برگ هلو و جعفری را در روغن زیتون وارد می‌کنند و به صورت ضماد در آورده بر روی سوختگی‌ها و محل ضرب دیده اعضای بدن قرار می‌دهند.

قرار دادن ضماد حاصل از برگ، گل و مغز له شده هلو در ناحیه شکم اطفال بمنظور دفع کرمک، هنوز هم بین مردم معمول است.

مغز هلو به صورت ضماد، اثر مسکن دارد و از روغن آن جهت رفع سودا و ناراحتی‌های بواسیر استفاده بعمل می‌آید.

جمع آوری محصول - برگ هلو برای مصارف درمانی باید در فاصله بهار و پاییز از درخت چیده شود زیرا در غیر این موقع اثر درمانی قاطع نخواهد داشت. گل هلو را بتدریج که ظاهر می‌گردد باید از درخت چید. غنچه‌های جوان آن برگلهائی که مدتی از شکفتن آنها گذشته باشد

ترجیح دارد. خشک کردن برگ و گل هلو باید در نهایت دقت، در سایه و یا در گرمای ملایم، به صورت قشرگسترده نازکی صورت گیرد. پس از خشک شدن نیز باید در جعبه های سر بسته جای داده شود تا هوا بداخل آنها نفوذ نکند.

برگ هلو پس از خشک شدن، قسمتی از طعم تلخ و اثر درمانی خود را از دست می دهد. گل خشک شده هلو، طعم بسیار تلخ خود را حفظ می کند و قدرت درمانی آن نیز به مقدار زیاد باقی می ماند. برای تهیه شربت گل هلو که در فوق ذکر شد باید از گلهای تازه درخت هلو استفاده بعمل آورد.

نژادهای مختلف درخت هلو در ایران پرورش می یابد.

Armeniaca vulgaris Lam.

Prunus Armeniaca L.

فرانسه : Abricotier انگلیسی: Apricot tree آلمانی: Aprikosen ، Aprikosebaum

ایتالیایی : Meliaco Albicocco فارسی : درخت زردآلو عربی: مشمش (Mishmish)

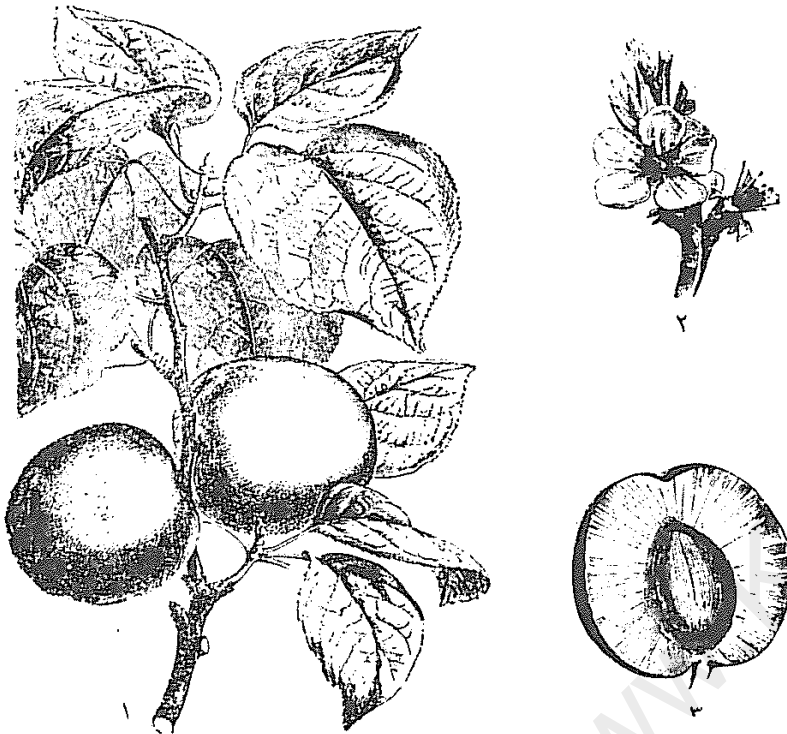
درختی زیبا، به ارتفاع ۳ تا ۶ متر و دارای برگهایی ساده با پهنک مدور قلبی شکل و منتهی به نوک تیز است. رنگ سبز روشن یا مایل به زرد برگ آن، ظاهر مشخص و متمایز از سایر گونه ها، به گیاه می دهد. گل های آن درشت، عاری از دمگل، به رنگ سفید یا مایل به گلی، مرکب از ۵ گلبرگ و تعداد زیادی پرچم است. طرز قرار گرفتن گلهای آن بر روی شاخه ها نیز به نحوی است که معمولاً به وضع منفرد یا به تعداد ۲ تا ۳ در کنار هم دیده می شوند.

میوه اش در انواع وحشی این گیاه، کوچک و دارای طعم نیمه مطبوع است ولی نژادهای پرورش یافته آن، میوه های درشت، خوش طعم با میان بری به رنگ زرد روشن ببار می آورد. در داخل میوه آن، هسته ای به طول متوسط ۳ سانتیمتر و به عرض ۱ سانتیمتر تشکیل می گردد که به خلاف هلو، ظاهر فرو رفته و ناهموار ندارد. درون هسته آن نیز بتفاوت بر حسب نژادهای مختلف گیاه، باداسی درشت با طعم تلخ یا کمی شیرین جای دارد. مغز زردآلو در صورتی که طعم تلخ نداشته باشد، مطبوع و خوراکی است.

قسمت مورد استفاده درخت زردآلو، میوه و مغز درون هسته آن است.

سدارک تاریخی، منشأ درخت زردآلو را به ترکستان و منچوری نسبت می دهد. این درخت هنوز هم در پکن، به حالت وحشی دیده می شود. پرورش آن احتمالاً در ۳ قرن قبل از میلاد مسیح در چین آغاز شد و سپس از آنجا، مقارن قرن اول میلادی به نواحی غربی آسیا

انتقال یافت. پراکندگی و نفوذ آن از ارمنستان به نواحی مختلف اروپا مانند یونان و سپس ایتالیا، تقریباً در حدود ۸۰ تا ۹۰ سال قبل از زمان حاضر صورت گرفته است. پرورش آن پس از انتقال به نواحی اخیر تدریجاً نه تنها در مناطق مختلف اروپا بلکه در اماکن مساعد کشورهای دیگر نیز معمول گردید.



ش ۷۴ - *Armeniaca vulgaris*: ۱- سرشاخه میوه دار ۲- شاخه گلدار

۳- برش میوه (به اندازه های طبیعی)

پزشکان مختلف با آنکه از قدیم الایام، روغن مغز زردآلو را به مصارف پزشکی مانند رفع بواسیر و درمان درد گوش می رسانیدند معهذاً میوه آنرا به علت ایجاد ناراحتی در معده، برای سلامتی مضر می دانستند. هنوز هم در نواحی مالاریا خیز، برای آن اثر مولد تب یا محرک بروز تب قائل هستند. جالینوس و دیوسکورید، میوه آنرا از نظر هضم، همدیف

هلو می دانستند در حالیکه حکمای قرون ۱۶ تا ۱۸ میلادی، نه تنها خلاف آنرا عقیده داشتند بلکه کم و بیش عقاید قدما را در مورد بروز ناراحتی و تب تأیید می نمودند.

ترکیبات شیمیائی - قسمت گوشتدار سیوه، بطور متوسط دارای ۸۱ تا ۸۴ درصد آب، ۸ تا ۱۲ درصد قند، ۱۰ تا ۱۱ درصد اسیدهای آزاد، مخصوصاً اسید سیتریک، مالیک، وینیک، سالیسیلیک، ۳۰ تا ۳۵ درصد هیدراتهای کربن، ۳ تا ۴ درصد ر. در ۹۹ درصد آلبومین و ۱۲ درصد مواد چرب است.

مغز زردآلوی تازه و رسیده، سرشار از ویتامین های مختلف است و در آن ویتامینهای B₁, B₂, C, PP یافت می شود. مقدار درصد ویتامین A در هر ۱۰۰ گرم آن، معادل ۰۴ درصد ویتامین A^۱ مورد نیاز روزانه انسان است.

مغز زردآلو دارای ۴۱ درصد روغن قابل استخراج همراه با موادی نظیر آسپاراژین، آلورون، قندهای مختلف، موسیلاژ، کونگلوتین (کازئین گیاهی یا سفیر) و غیره است. در نوع تلخ مغز زردآلو، ۶۰ تا ۸۰ درصد آسیدگالین نیز وجود دارد. این گلوکزید بطوری که می دانیم در سجاورت آب و تحت اثر اسولسین، تجزیه گردیده، اسیدسیانیدریک یا اسید پروسیک، آزاد می کند.

برگ زردآلو نیز دارای گلوکزیدسولید اسید سیانیدریک است.

از درخت زردآلو نوعی صمغ به رنگ زرد کاهی به خارج ترشح می شود که طبق بررسیهای P. Lemeland (در سال ۱۹۰۵) دارای ۶۶ درصد از قندهای احیاء کننده است. مقدار ۳۸ درصد از قندهای مذکور را، آرایینو و ۱۰ درصد آنها را، گالاکتوز تشکیل می دهد. از مغز هسته زردآلو و سبوس برنج ماده ای استخراج گردیده که به تفاوت اسید پانگامیک Pangamic acid یا ویتامین B_{۱۵} نامیده شده است. این ماده در دانه گیاهان، و مخمر آبجو، خون گاو نر و جگر اسب نیز یافت می شود. با آنکه در بعضی کتب علمی چنین صراحت دارد که شواهد موجود دال بر آنست که هر کجا ویتامین های گروه B یافت می شود، این ویتامین نیز در آنجا وجود دارد (1) معهدا در کتب علمی و معتبر دلایل ارائه شده، قاطع ذکر نگردیده است (Martindale, p. 1738, 1982). تعیین فرمول منبسط این ویتامین توسط Bigi در سال ۱۹۶۶ انجام گرفته است.

ملح سدیم این ویتامین که به حالت متیلور به دست می آید، بمقادیر زیاد در آب حل می شود ولی عملاً در استات متیل، کلروفرم، اتر و حلال های دیگر مواد چرب غیر محلول است. در محلول های قلیائی تجزیه می شود.

1- Krebs, Krebs, U. S. pat. 2, 464, 240 (1949); Krebs et al. Intern. Record. Med. 164, 18 (1950).

خواص درمانی - زردآلو میوه ای است مفید که به حالت نارس، دیر هضم است بطوری که حتی مصرف نوع رسیده آن برای مبتلایان به سوء هضم وضعف اعمال کبد، ممنوع گردیده است. اثر درمانی زردآلو به پایه هلو، قابل توجه نیست. به حالت تازه، اثر درمانی قابض و رفع اسهالهای ساده و شکم روش دارد ولی به حالت خشک، ملین است. برای آن اثر تصفیه کننده خون نیز ذکر شده است.

امروزه مصرف آن برای مبتلایان به ورم مفاصل و کم خونی ناشی از خونریزیها، توصیه گردیده است (Elden در سال ۱۹۲۸). بعلاوه برای آن اثر درمان کم خونی (Anemie) ذکر شده است. مصرف زردآلو برای کودکان، مبتلا به نرمی استخوان و اطفالی که رشد کافی حاصل نموده اند توصیه شده است (1).

بررسی های ارزنده Dr. H. Leclerc نشان داده است که زردآلو در رفع کم خونی های ناشی از خونریزی های متوالی، اثر درمانی ارزنده ظاهری کند.

مغز دانه های شیرین آن، خوش طعم است و مانند مغز بادام مصرف می شود ولی مغز دانه های تلخ آن، به علت دارا بودن آسیدگالین خطرناک می باشد. اگر چند قطره روغن مغز زردآلو در گوش ریخته شود. صداهای گوش را از بین می برد یا کاهش میدهد. قراردادن قسمت گوشتدار زردآلوی رسیده بر روی پوست صورت، اثر نرم کننده و مفید در پوست های خشک، مخصوصاً در فصل تابستان ظاهر می کند. بعد از اینکار اگر یک لوسیون مقوی به پوست صورت اثر داده شود نتیجه بهتر خواهد بود.

درخت زردآلو در نواحی مختلف ایران پرورش می یابد.

Amygdalus communis L.

Prunus Amygdalus Batsch. ، *A. Stocksiana* Boiss.

فرانسه : A. commun ، Amandier ؛ انگلیسی : Almond ، Almond tree ، Hazel ؛ آلمانی : Mandelbaum ، Mandel - Gemein ، Mandel - Echte ؛ ایتالیائی : Mandorlo ؛ فارسی : درخت بادام - عربی : لوز (Lawz)

درختی است زیبا، به ارتفاع ۵ تا ۸ متر (حداکثر) که منشأ اصلی آن در نواحی مرکزی و غربی آسیا مخصوصاً افغانستان و ترکستان مشخص گردیده است ولی از زمانهای قدیم در ایران قفقاز، سوریه و فلسطین پرورش می یافته است. امروزه در بعضی نواحی مانند چین نیز به حالت

1 - Valnet J. Trait, par les Légumes, Fruits ... 1982).